



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عنوان کرد

تهیه نخستین سند بالادستی در حوزه موسیقی

فرهنگ

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درخوص تهیه سند موسیقی گفت: بنا این است که در دولت انقلابی و مردمی بسیاری از وعده‌های زمین مانده حل شود. پیش از ۴۵ سال که از پیروزی انقلاب می‌گذرد هیچ سندی بالادستی در حوزه موسیقی نداشتیم. الحمدلله این اتفاق افتاد و مبنای فقهی این سند مبتنی بر آرای فقهی رهبر انقلاب، امام و مراجع تنظیم شده است و گروه‌های حوزوی قوی هم با ما همکاری کردند.

آن طور که در گزارش ایرنا آمده، محمد مهدی اسماعیلی در حاشیه جلسه روز گذشته هیأت دولت گفت: بعد از چندین سال وقفه جشنواره مطبوعات و رسانه‌های کشور در ایام پیش رو و بعد از دهه فجر(قبل از انتخابات) برگزار می‌شود و این مطالبه شما خبرنگاران عزیز بود،

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عنوان کرد: «ما با مردم افغانستان هم‌سرنوشت هستیم»؛ از میان صحبت‌های محسن اسلام‌زاده این عبارت را می‌توان بیرون کشید و به‌عنوان مانیفست فعالیت‌های تازه او در مستندسازی بر پیشانی خیر قرار داد؛ مستندسازی که سال ۹۰ برای ساخت مستندی درباره شهدای دیپلمات کنشوران وارد مزارشریف شد و مستند «دل‌باخته» را ساخت، دو هفته را با اعضای طالبان افغانستان گذراند و خروجی‌اش شد مستند «تنها میان طالبان» و از همان ایام بخشی از رسالت او در مستندسازی به مردم افغانستان گره خورد. اسلام‌زاده در مجموعه ۲۶ قسمتی «وطن دار» مشکلات مهاجران افغان را تصویر کرد و در مستند «میراب» به موضوع حقیه ایران از رود هیرمند و مشکلات سیستم پرداخت این مستندساز که بیش از یک دهه قبل در روزهایی که سرتیتر رسانه‌های دنیا نابودی طالبان بود، از سایه حضور طالبان پشت دروازه‌های تمام مراکز استان افغانستان گفته بود این روزها

در تازه‌ترین مستندش «پایان افیون»، سرآغ موضوع تخریب مزارع خشخاش در افغانستان رفته و با نگاه اجتماعی درباره پیامدهای آن همدار داده است. او که در عین حال طی این سال‌ها از موضوعات اجتماعی کشورمان غافل نبوده و مستند «هیچ‌کس منتظر نیست» با موضوع زنان کارزن خواب در میدان شوش تهران و تلاش‌های سپیده عزیززاده در مرکز نگهداری نور سپید هدایت از آثار متأخرش در این حوزه است، با دغدغه‌اش برای پرداختن به موضوعات مرتبط با افغانستان و موضوع مستند تازه‌اش با «ایران» به گفت‌وگو نشست. اسلام‌زاده بر این باور است: «ما هم‌زمانیم. هم‌دینیم. هزار کیلومتر مرز مشترک داریم. تحولاتی که آنجا اتفاق می‌افتد در امنیت ملی، شرایط داخلی و اجتماعی ما تأثیر مستقیم دارد. ما با مردم افغانستان هم‌سرنوشت هستیم.»

شما مستندسازی در شرایط بحران را تجربه کرده‌اید، چه از دریچه سیاسی و چه با نگاه بحران اجتماعی. درباره این تجربه مستندسازی در حیطه بحران سیاسی در کشور افغانستان بگویید.

«تنها میان طالبان» حرف جدیدی داشت و



محسن اسلام‌زاده از تجربه ساخت تازه‌ترین مستندش با عنوان «پایان افیون» به «ایران» گفت

روایتی از تبعات تخریب مزارع مواد مخدر در افغانستان

خوشبختانه مورد توجه هم قرار گرفت. بعد از سه چهار سال پیگیری موفق شدم به جمع طالبان بروم. این مستند در نخستین تجربه بین‌المللی در جشنواره «آتن آمریکا» تحسین شد. در بیانیه هیأت داوران عنوان شده بود که «این فیلم تمام رسانه‌های ما (امریکا) را زیر سؤال برد. ما براساس تبلیغات غالب تصور می‌کردیم طالبانی در کار نیست. اما این فیلم نشان می‌دهد که طالبان در افغانستان حضور جدی دارد.» این اتفاق برای سال ۹۵ است و تولید آن برای سال ۹۲. «تنها میان طالبان» بیش از یکصد اکران داشت و بعدتر حتی در آمازون هم برای فروش در دسترس قرار گرفت. هنوز هم بازخوردهای آن را دریافت می‌کنم. اثرگذاری این فیلم در نتیجه قدرت من نیست، بلکه بحث قدرت و میزان اثرگذاری سینمای مستند مطرح است. به اتکای موزاری از این دست ثابت می‌شود که اگر به مستندسازان میدان داده شود و جدی گرفته شوند، از نتایج کار آنها می‌توان حتی در حد یک تحلیلگر ارشد مسائل سیاسی بهره‌گرفت و برداشتهایی که در منطقه یاد در جغرافیای فرمانطقه اتفاق می‌افتد به کمک ساخته‌های مستندسازان تحلیل کرد. سال ۱۴۰۰ افراد بسیاری در رسانه‌های مختلف اظهار شگفتی می‌کردند که معلوم نیست طالبان چطور آمدند و قدرت را به دست گرفتند در حالی که کاملاً مشخص بود چنین وقایعی رخ می‌دهد. اینکه ضروی از خانواده تأثیرگذار مستند هستم باعث افتخار من است. با توجه به کارهایی که مستندسازی دارد، باید دوربین و فعالیت‌های مستندسازان خیلی جدی‌تر گرفته شود.

اگرچه به‌تازگی از لبنان بازگشته‌اید و پیش از آن در ونزویلا و لیبی بودید و در بین حال از مسائل مبتلابه جامعه خودمان هم غافل نبوده‌اید

اما به نظر می‌رسد فعالیت شما در سال‌های اخیر بیشتر بر موضوعات مرتبط با افغانستان متمرکز بوده است. درباره چرایی اهمیت این دغدغه و مستند تازه‌تان «پایان

بنده هم وعده داده بودم که نمایشگاه را برگزار کنیم از این رو هماهنگی‌های آن صورت گرفت و نمایشگاه بزرگ مطبوعات، رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها با قوت برگزار خواهد شد. وی با بیان اینکه شنبه مراسم ویژه‌ای در محوطه تئاترشهر خواهیم داشت و مطالبه بیش از سی و چند ساله اصحاب و هنرمندان تئاتر برآورده شده است، اظهار کرد: ما یک حائلی را در مجموعه تئاترشهر برای بهره‌مندی بیشتر هنرمندان ایجاد خواهیم کرد و در همین جایز خبرنگاران هم دعوت می‌کنم در این مراسم حضور یابند. یک باز طراحی در آنجا نیز صورت گرفته و یک اجرای سرباز هم از سوی همکاران ما در مجموعه شهری انجام می‌شود که روی هم رفته اتفاقات مبارک برای حوزه هنر کشور است و باعث اقدامات مبارک هنری و فرهنگی خواهد شد.

یک باز طراحی در آنجا نیز صورت گرفته و یک اجرای سرباز هم از سوی همکاران ما در مجموعه شهری انجام می‌شود که روی

دیپلمات‌های ما توسط طالبان به شهادت رسیده‌اند. به این نیت رفتم که در این رابطه فیلم بسازم. یکی از اساتیدم اصرار داشت که اگر می‌خواهی درباره این فاجعه فیلم بسازی باید هرطور شده بازمانده حادثه را به افغانستان ببری. در همان روزها چنین مسأله‌ای شدنی نبود اما به هرشکلی که بود او را به افغانستان بردیم و همین مسأله فتح بابی شد که حرف‌های متفاوتی بشنویم. او گفت که این کشور، کار طالبان نبوده است. در همان روزها من هم نظیر باقی مردم دنیا تصور می‌کردم طالبانی در کار نیست اما بعد سایه طالبان را پشت دروازه همه شهرهای افغانستان حس کردم. در ادامه و در همه این سال‌ها، مسائل اجتماعی و بحث مهاجرت را رها نکردم. مجموعه «وطن دار» و مستند «میراب» را ساختم و وقتی مسأله مواد مخدر و تخریب مزارع را شنیدم به این فکر افتادم که خودم بروم و ببینم چه خبر است. ما و افغانستان حدود یک هزار کیلومتر مرز مشترک داریم و سرنوشت‌مان جدا از یکدیگر نیست. از سوی دیگر هم‌دین و هم‌زبان هستیم. تشابهات فرهنگی و دینی داریم. تحولاتی که آنجا رخ می‌دهد، تأثیری مستقیم در امنیت ملی و شرایط داخلی ما نیز دارد. موضوع عدم کشت و تخریب مزارع خشخاش برای کل دنیا مشخص رخ می‌دهد، تأثیری مستقیم در امنیت ملی و شرایط داخلی ما نیز دارد. موضوع عدم کشت و تخریب مزارع خشخاش برای کل دنیا مشخص

افیون» بگویید. در یک پیچ تاریخی، موفق به ثبت اتفاق مهم در افغانستان شدم. وقتی بحث تخریب مزارع مواد مخدر مطرح شد من در کابل بودم. به مناطق بکر شمال افغانستان و ولایت بدخشان رفتم و موفق به تصویربرداری از مزارع خشخاش روند تخریب آنها شدم. در مستند مذکور با رویکردی اجتماعی پیش رفتم. خوشبختانه یافته‌های من در این مستند به تأیید سازمان ملل هم رسید که گزارش‌ها حاکی از کاهش ۹۵ درصدی کشت خشخاش در افغانستان بود و برای نخستین مرتبه طی دو دهه اخیر این کشور در کشت مواد مخدر رتبه اول را کسب نکرد و کشور میانمار جای آن را گرفت. در حین ساخت مستند من هم به کمک عسک می‌توان اثرگذاری بهتری داشت و از آن طریق با مخاطب جهانی هم ارتباط گرفت، بر همین اساس در حاشیه‌ی ساخت این مستند، مجموعه عکسی تهیه کرده‌ام که تصمیم دارم در جشنواره‌های بین‌المللی ارائه کنم.

سال ۹۰ قرار بود مستندی درباره دیپلمات‌هایی که توسط طالبان کشته شدند بسازید، با همین نگاه وارد آن فضا شدید و بعدتر سراغ خود طالبان رفتید و از تغییر رویکرد آنها فیلم ساختید و حالا هم سراغ یک معضل اجتماعی رفته‌اید. فضای این کشور چقدر برای مستندسازان جای کار دارد و اساساً پرداختن به معضلات آنها در شرایطی که در کشور خودمان مسائل مبتلابه و سوزنده‌های سیاسی و اجتماعی کم نیست، چه ضرورتی دارد؟

وورد من به افغانستان با ذهنیتی کاملاً متفاوت از نگاه امروز بود. ابتدا گمان می‌کردم

فرهنگی



عکس: ایرنا

ایشان، خبررسانی دوستانمان ایراد دارد. ما ۲۵۵ هزار درخواست مجوز کتاب داریم، به غیر از نیم درصد، در این دو سال به همه مجوز دادیم. کتاب جدید ایشان هم دهنده. دوستان ما در رسانه‌ها باید رعایت کنند و به مفاخر احترام بگذارند.

بوده چرا که هنوز پایه‌های کشورشان محکم نشده، کشورزنان را مقابل خود قرار داده‌اند. شاید انتقادات زیادی درباره دیگر رویکردهای طالبان باشد ولی این تصمیم خوبی است که اجرایی شده و ممکن است تبعات اجتماعی، اقتصادی و بعدتر سیاسی و امنیتی داشته باشد، که نمی‌شود آن را نادیده گرفت. درحالی‌که روی سازمان‌های بین‌المللی خیلی نمی‌توان حساب کرد، کشور ما که در بحث مبارزه با مواد مخدر پیشگام است، لازم است جدی‌تر وارد عمل شود. باید تجربیاتی که داریم را به آنها منتقل کنیم. شاید لازم باشد کشت جایگزین را ترویج دهیم و در فروش محصولات کشاورزی به آنها کمک کنیم. کشاورز افغانستانی را عادت دهیم که کشت سالم داشته باشد. به‌جای برخی محصولات که از کشورهای دور وارد می‌کنیم، می‌توانیم با نظارت در افغانستان این محصولات را کشت کنیم و با قیمت خیلی پایین‌تر به کشورمان وارد کنیم. تا فصل کشت جدید ۷ الی ۸ ماه فرصت است. از مسئولان ذیربط کشورمان تقاضا دارم، همت کنند تا بتوان کار اساسی کرد.

ساخت «پایان افیون» در چه مرحله‌ای است چرآن را به جشنواره سینما حقیقت نرساندید؟

در مرحله بازنمایی نهایی است. تدوین توسط محمد تقی تمام شده است و تهیه‌کنندگی آن را نیز مرتضی شعبانی برعهده دارد. این مستند به لحاظ موضوعی مهم است و به لحاظ فرم، کار جشنواره‌ای نیست. مخاطبان اصلی آن هم مسئولان کشورمان هستند. امروز بیش از هر زمانی به نزدیکی ایران و افغانستان نیاز داریم.

با گذشت بیش از ۴ دهه، نه از امریکایی‌ها در افغانستان خبری هست و نه از انگلیسی‌ها. مردم افغانستان تلاش می‌کنند روی پای خودشان بایستند و زیرچشمی به مدل حکومت‌داری ما نگاه می‌کنند و ایران را از نزدیک‌ترین کشورها به خود می‌دانند. امیدوارم مسئولان ما در ارتباط با افغانستان و مردمشان فعال‌تر عمل کنند و اگر قرار است مهاجرت معکوسی شکل بگیرد؛ مقدمات بازگشت افغانستانی‌ها به کشورشان فراهم شود. بخشی از این مسئولیت به عهد دولت افغانستان است و در بخش دیگر نقش پررنگ ایران بسیار جدی است.

ایران بسیار جدی است.



وقتی خطر باید با چشمان باز عکس‌العمل نشان داد

محمدحسان مفیدی کیا، بحران‌ها ناگزیرند؛ بخواهیم یا نخواهیم و آماده باشیم یا نباشیم زلزله خواهد آمد یا جنگ رخ خواهد داد. در این میان آن گروهی کمترین آسیب را از رخداد خواهد دید که نه از بحران بگریزد، نا با آن بستیزد. باید بحران را پذیرفت؛ باید بحران‌پذیر باشیم. یکی از اصلی‌ترین شرایط چنین رویکردی آگاهی ما پیش از برخورد با شرایط بحرانی است، اینکه خوب بدانیم چه نیرویی و در چه ابعادی سراغمان خواهد آمد و ما برای مقابله به چه نیاز داریم.

وقت خطر باید با چشمان باز عکس‌العمل نشان داد. مستندسازی یکی از لوازم آمادگی است. برای نمونه در مورد بحرانی که در مرزهای شرقی میهن عزیز ما سال‌هاست بالقوه و بالفعل در جریان است و هر از چندی تهدیدهای آن هم ما را متأثر می‌کند، مستندهای فراوانی ساخته شده که چندتایی از آنها به واسطه حضور مستقیم مستندساز در دل بحران و مشاهده مستقیم ابعاد موضوع، بسیار روشنگر و آینده‌پژوهانه تولید شده‌اند. آثار و آرای محسن اسلام‌زاده، مستندساز باسابقه و کاربلد، با گذر زمان ارزش خود را بیش از پیش به ما نشان داده‌اند و امروز می‌توانیم به هندارهایی که در متن و زیرمتن مستندهایش بود، آن‌طور که شایسته است ارزش‌گذاری کنیم؛ مستندهایی که اگر به آنها و مثل آنها به وقت و به اندازه توجه می‌شد، حتی می‌توانستیم در حوزه سیاست خارجی تصمیم‌های بهتری اتخاذ کنیم یا از شرایط بهره بهتری ببریم.

۱۵

اخبار



با حضور رئیس‌جمهور

سند ملی موسیقی تصویب نهایی شد

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در تشریح تازه‌ترین مصوبات شورا که عصر روز ۲۸ آذر ماه به ریاست حجت‌الاسلام رئیسی رئیس‌جمهور برگزار شد، از تصویب نهایی سند ملی موسیقی کشور خبر داد.

بنابراین‌خبر جلسه ۸۹۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی عصر روز سه‌شنبه بیست و هشتم آرمه‌ها به ریاست حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و حجت‌الاسلام محسنی‌ازای رئیس‌قوه قضائیه در محل نهاد ریاست‌جمهوری برگزار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی در حاشیه این جلسه در جمع خبرنگاران اظهار کرد: «در این جلسه تعیین رئیس شورای فرهنگی اجتماعی خانواده و زنان مطرح شد که از بین سه گزینه که در شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده رأی آورده بودند، در شورای عالی انقلاب فرهنگی رأی‌گیری به عمل آمد و فهمیده‌فرهمندپرو بالاترین رأی را کسب کرد و از این پس رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده و عضو حقوقی شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد بود.

دستور دیگر جلسه، موضوع شورای تحول و ارتقای علوم انسانی بود که سال‌ها ریاست آن با جناب حداد عادل بود؛ با تقدیر از زحمات ایشان، جناب سیدسعیدرضا عاملی با بالاترین رأی، ریاست شورای تحول و ارتقای علوم انسانی را عهده‌دار شد که امیدوارم این شورای تخصصی با حرکت جهشی بتواند منشأ تحول شود و اساتید دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه به نظریه‌های کارآمد و اثربخش در علوم انسانی تصویب یابند.» خسروپناه ادامه داد: «در این جلسه سند ملی موسیقی تصویب نهایی شد، این سند یکی از اسناد مهمی بود که سال‌ها به شورا مانده و پیرامونش بحث‌های مختلف شده بود، نظر مقام معظم رهبری و فقها در این باره اخذ شده بود که در نهایت پس از جلسات متعدد در شورای معین به تصویب نهایی در شورای عالی رسید. این در حالی است که خانه موسیقی و هنرمندان این رشته در تدوین این سند نقش مؤثری داشتند. در جلسه امروز (چهارشنبه) اساسنامه فرهنگستان علوم بازرگاری شد و امکان ایجاد گروه‌های علمی جدید و سقف اعضای پیوسته فرهنگستان به تصویب نهایی رسید.» **مهرو**

صبح صادق ندمد

تا شب یلدا نرود

علی‌الله سلیمی: نویسنده و منتقد ادبی /

طلوئی‌ترین شب سال که معمولاً آن با عنوان «شب چله» یا «شب یلدا» هم یاد می‌شود، در فرهنگ و سنن ایرانی ریشه‌ای کهن دارد و با آیین‌های متعدد مردمی درهم آمیخته و بخشی از آن با گونه‌های متنوع ادبی عینین شده است. از فال گرفتن و خواندن اشعار از حافظ شیرازی، بخش‌پرآوازه ایرانی گرفته تا نقل قصه و حکایت از متون کهن که شاعر مهمی از گنجینه ادبیات فارسی محسوب می‌شود و در آیین‌های مردمی همواره مورد استفاده قرار می‌گیرد. باتوجه به جنبه‌های فولکلور و مردمی آیین‌های شب یلدا، انتخاب شعر، قصه و حکایت برای استفاده در این شب هم معمولاً توسط بزرگترهای خانواده بویژه پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها انجام می‌شود که به آنها هدیه یا تاجچه به سواد و سلیقه خود، آثاری را از متون کهن و اغلب ادبیات شاعرانه برمی‌گزینند و با مهارت‌های فردی‌ای که دارند اجرائی می‌کنند. برای اینکه با آثار ادبی ماندگار در این زمینه بیشتر آشنا شویم، نمونه‌های موفق در این بخش را با هم مرور می‌کنیم.

توجه چشمگیرشاعران به شب یلدا

باتوجه به پیشینه دراز شعر فارسی نسبت به قصه و داستان فارسی، بیشترین توجه ادیبانه به شب یلدا در ادبیات فارسی در حوزه شعر دیده می‌شود که شاعران نام‌آشنا در دوره‌های تاریخی متعدد به آن توجه نشان داده‌اند و در آثار خود به این موضوع هم به اشکال مختلف پرداخته‌اند. به بیان دیگر، تقریباً همه شاعران فارسی‌زبان در کارنامه شعر خود، از شب یلدا به‌عنوان طلوی‌ترین و تأریک‌ترین شب سال را توصیف و مضامین دیگر بهره برده‌اند. البته برخی از شاعران در موارد خاص به این موضوع پرداخته و برای توصیف برخی صفات شاعرانه که باشاره به شب یلدا در ذهن‌ها یا شکل می‌گیرد، از این عنوان استفاده می‌کنند اما برخی شاعران شناخته‌شده هم هستند که بارها در اشعار خود به‌عنوان شب یلدا اشاره مستقیم و در مواردی هم به‌طور غیرمستقیم به آن یاد می‌کنند. در اغلب آثار شاعرانی که در اشعار خود از شب یلدا نام برده و به آن اشاره کرده‌اند، به دو وجه زیبایی و تداوم اشاره شده است. به بیان دیگر، روی و عارض و سیمین بار به خورشید و روز و بلندی و سپاهی زلف و گیسوی مستقیم و شاهد، از حیث زیبایی به این شب تشبیه شده است.

البته در منابع مختلف آمده است که نزد استادان سخن، یلدا معمولاً چهره تابک و زینت از شبنم سیاه و دراز و طاق‌ت فراسست که بایستی به پایان برسد و همین تصویر کلیشه‌ای یلدا، همواره از آغاز شعر فارسی خودنمایی کرده و در دوره‌های بعد از سوسی شاعران تکرار شده است. یکی از ادیبان فارسی‌زبان و مشهور در ادبیات فارسی و حتی ادبیات جهان، سعیدی شیرازی است که در کارنامه شعر خود بارها از عنوان شب یلدا استفاده کرده و در مضامین مختلف این عنوان‌را به کار برده است. به طور مثال، این شاعر شیرین‌سخن بارها در توصیف شاعرانه از مضامین موردنظر خود به شب یلدا اشاره مستقیم دارد. آنجا که می‌سراید: «که در دهنم رفته به کنجی فرزاز/ چه دیدم چو یلدا سپاهی دراز» یا «باد آسایش گیتی نزد بید لیل ریش/ صبح صادق ندمد تا شب یلدا نرود» یا «برای ای صبح مستاقان اگر نزدیک روز آمد / که برگفت این شب یلدا مال از ماه پروینم» یا «هنوز با همه دردم امید درمان است/ که آخری یود آخر شبان یلدا» یا «نظر به روی تو هر بامداد نوروزیست/ شب فراق تو هر شب که هست یلدا نیست» و همچنین «روز روش چو برانداخت نقاب شب زلفا/ گفתי از روز قیامت شب یلدا برخاست»

عنصر «طلوئی بودن» یلدا در شعر شاعران

طلوئی بودن شب یلدا، یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های آن است که طبعاً تاریکی درازمت را هم در ذهن متبادر می‌کند و همین مضنون در آثار بسیاری از شاعران دستمایه خلق اثر ادبی در حوزه شعر شده است. آنها اغلب مبتد زمان طلوی فراق یبار و معشوق خود را از طلوی و دراز بودن این شب بلند به شب یلدا تشبیه کرده و به اشکال مختلف در آثارشان آورده‌اند. به‌عنوان مثال، وحشی بافقی از شاعران نامدار سده دهم می‌سراید: «شام هجران توتشریف به هراجر برد/ در پس و پیش هزاران شب یلدا ببرد.» ادیب نیشابوری هم می‌سراید: «ما حال خویش را بی‌سرو بی‌ی نوشته‌ایم/ روز فراق را شب یلدا نوشته‌ایم» یا «بی‌تو دوشم در درازی از شب یلدا گذشت/ آفتاب امروز چون برق از سرای ما گذشت.»